

در عین حال، آمار مبین این حقیقت است که ۵۳ درصد درآمدهای دولت (در فاصله سال‌های ۸۶ - ۸۰) از محل نفت بوده و تنها ۳۳ درصد از محل درآمدهای مالیاتی اخذ شده است که اگر سهم مالیات اشخاص حقوقی را - که بیش از نصف درآمد مالیاتی کشور را بر دوش کشیده‌اند - کنار بگذاریم، درمی‌یابیم که دولت، توجه چندانی به مالیات نداشته و بخش قابل توجهی از درآمدهایش را از محل غیرمالیاتی تأمین نموده است. از طرفی، سهم درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی (GDP) در ایران، به طور متوسط حدود ۷ درصد است که این رقم در مقایسه با کشورهای نفتی، دور از انتظار نبوده اما در مقایسه با کشورهای صنعتی و توسعه یافته جهان - که این رقم در آنها بالاتر از ۲۵ درصد می‌باشد - رقم بسیار ناچیزی است.

به علاوه، در اقتصاد بخش عمومی، مالیات از ابزار سیاست مالی دولت‌ها است که در شرایط رونق و رکود اقتصادی، به تنظیم بازار خواهد انجامید و بی‌توجهی به آن، بسیاری از آثار مطلوب سیاست‌های دولت را در شرایط مختلف اقتصادی باناکامی مواجه خواهد کرد. حال آن‌که دولت‌ها با کاهش نرخ مالیات تولید، شرایط رکود اقتصادی را بهبود داده و منجر به حرکت‌های مثبت تولیدی می‌شوند.

اصلاح نظام مالیاتی موجود و اهتمام دولت و ملت به خلق آرمان شهر مالیات محور، نیازمند اراده جمعی مردم و مسئولان است که در این زمینه راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شوند.

- ۱) کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری فعالیت‌های دولت به بخش خصوصی
 - ۲) حرکت به سمت اقتصاد مبتنی بر مالیات و اختصاص درآمدهای نفتی به فعالیت‌های مولد و سرمایه‌گذاری (و پس انداز برای نسل‌های آتی)
 - ۳) ارزیابی گزارشات درآمدهای مردم و هزینه‌های مردم و به روز رسانی گزارشات تفریح بودجه
 - ۴) افزایش انضباط مالی دولت و تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پنهان
 - ۵) اصلاح و به روز رسانی نظام مالیاتی کشور - بر اساس عدالت و عاری از تبعیض و گذار از روش‌های سنتی اخذ مالیات به روش‌های نوین.
- امیدواری ما برای استقرار منطق، انصاف و مشارکت همگانی در نظام مالیاتی کشور فراوان است. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره، در رابطه با مالیات بر مجموع درآمدها و مالیات‌های فراگیر را در صفحات ۲۹ - ۳۳ می‌خوانیم. در ضمن، این شماره «اقتصاد ایران» همراه با یک ضمیمه مالیاتی و فرم نظرسنجی، به شما عزیزان تقدیم می‌شود.

هزینه‌های تولید را بی‌رویه نموده است، واردات سرسام‌آور اجناس بی‌کیفیت که تولیدکننده داخلی را به مصیبت و رشکستگی و تهدید نابودی تولید داخل مبتلا کرده است، همگی از این دردها است. این در حالی است که مطابق ماده ۱ قانون مالیات‌های مستقیم، همه افراد، اعم از ایرانیانی که در داخل یا خارج، درآمد کسب می‌کنند و محل سکونت آنان در ایران می‌باشد یا خارجیانی که در ایران کسب درآمد می‌کنند، مشمول پرداخت مالیات می‌باشند. به عبارتی، همه ایرانیان در پرداخت مالیات و مشارکت در تأمین هزینه‌های دولت، مسؤولند.

در کنار مسایل فوق، همه اقتصاددانان، اعم از حامیان دولت و مخالفین، داد سخنی که از خدمات دولتی در سال‌های اخیر سر داده‌اند، بزرگ بودن اشتباهی دولت و سیری ناپذیری آن در بلعیدن درآمدها است. تأمین دولت بزرگ، مستلزم درآمد بالا است و تأمین این درآمد، بر دوش اقشاری است که عموماً دولتی نیستند. همچنین، ملت اعتماد کافی به دولت نداشته و در رفتارهای نفتی شاهد عدم صداقت دولت‌ها بوده است.

این در حالی است که دولت بزرگ پُرهزینه با بی‌انضباطی‌های مالی خود، مالیات‌های پنهان را به جامعه تحمیل نموده و به دلیل سیاست‌های نادرست اقتصادی در بخش‌های مختلف، موجبات دل‌سردی آحاد جامعه را پدید آورده و زمینه‌ساز سلب اعتماد و فرار از مشارکت جامعه شده است.

به موازات آنچه گفته شد، اتکای دولت به درآمدهای نفتی، آن را به دولتی غیرپاسخگو و در عین حال، متکبر از نیاز به جامعه تبدیل کرده است. در بسیاری از کشورهای جهان، دولت‌ها مالیات را اهرم برنامه‌های سیاسی و اجتماعی خود قلمداد می‌کنند و از دید آنان، مشارکت حداکثری آحاد ملت، نه تنها در کنارش اخذ رأی که با حضور در شعب مالیاتی تحقق می‌یابد.

در کنار مسایل فوق، می‌توان نظام موجود مالیاتی در کشور را نظامی غیرعلمی و غیرجامع قلمداد کرد که مشکلات مضاعف حاکم بر آن عبارتند از:

- ۱) عدم تنوع پایه‌های مالیاتی
- ۲) عدم حاکمیت مالیات‌های فراگیر بر درآمدها (مالیات بر مجموع درآمدها)
- ۳) نگاه ارباب - رعیتی دولت به مؤدی مالیاتی
- ۴) ضعف قوانین مالیاتی در کشور و انعطاف ناپذیری قوانین
- ۵) فراگیر نبودن اظهارنامه و عدم دقت عمل در اعمال نظام اظهارنامه‌ای
- ۶) ضعف نظام اطلاعاتی و بازرسی و نظارت
- ۷) نگاه صرف درآمدی به مالیات

بررسی مشکلات جامعه کارگری

اندر احوال کارگران ایران



جامعه کارگری کشور، با مشکلاتی مواجه است که بر ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور اثر گذاشته و آن را از چارچوب منطقی مورد نیاز اقتصاد ملی خارج می‌سازد.

سرمایه انسانی و نیروی کار، مهمترین عامل پیشرفت اقتصادی - اجتماعی هر کشور به شمار می‌رود. علیرغم پیشرفت اتوماسیون و ورود تکنولوژی پیشرفته به بازار صنعت و استفاده از آن در زمینه‌های مختلف و به ویژه، استفاده در صنایع و فعالیت‌های سرمایه‌بر که نیاز واحدهای اقتصادی را به نیروی انسانی کاهش می‌دهد، هنوز در تمامی زمینه‌های اقتصادی، نیروی

انسانی حرف آخر را می‌زند. در شرایط جدید اقتصادی، نیاز به نیروی انسانی مانند گذشته همچنان فراوان است، با این تفاوت که در گذشته، اکثر کارگران «یقه آبی» بودند و به کارهاییدی می‌پرداختند، ولی امروز عمدتاً «یقه سفید» هستند و به کارهای فنی ناشی از تکنولوژی‌های پیشرفته می‌پردازند و در

واحد‌های اقتصادی اشتغال دارند. بدین ترتیب، ضرورت ایجاد می‌کند که از نیروی انسانی یا به عبارت دیگر، جامعه کارگری حمایت شود و زمینه‌های لازم برای استفاده از آن در فعالیت‌های اقتصادی فراهم گردد.

اگر به وقایع و حوادث تاریخی نظری بیفکنیم، درمی‌یابیم که در کشور ما نقش کارگران و تشکل‌های کارگری بسیار مهم است که از آن جمله می‌توان انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و دفاع کارگران از سرزمین مادری را نام برد. بنابراین ضرورت پرداختن به جامعه کارگری کشور و رفع

مشکلات آن، از جمله مسایل مهم پیش پای مقامات مسؤل می باشد. خوشبختانه، کارگران، خود به اهمیت وحدت و همیاری یکدیگر پی برده و با ایجاد تشکل های مفید تحت عناوین مختلف، در صدد ایفای نقش خویش در پیشبرد اهداف اقتصادی - اجتماعی کشور برآمده اند. در عین حال با توجه به اصل مذاکره دسته جمعی و سرانجام، سه جانبه گرایی، همکاری گسترده ای با تشکل های کارفرمایی در پیش گرفته شده و با علم به این که کارگر و کارفرما دو روی یک سکه اند و همواره به یکدیگر وابسته و نیازمند هستند، به این همکاری علاقه مند بوده و در جهت تحکیم آن گام بر می دارند.

پیشرفت اقتصادی و اجتماعی

علیرغم اهمیت نقش کارگران ایران در پیشرفت اقتصادی - اجتماعی کشور، کاستی ها و مشکلاتی بر سر راه آنان وجود دارد که باید برای رفع آنها اقدامات جدی به عمل آید. این اقدامات را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱) بالا بردن سطح دانش اجتماعی و فنی کارگران: باید سطوح دانش اجتماعی کارگران بالا رود تا این قشر عظیم، با وظایفی که به عنوان یکی از عوامل تولید در رشد و عظمت اقتصاد کشور به عهده دارد، آگاهی یافته و آن وظایف را به درستی انجام دهد. در غالب موارد، ناکامی در همکاری کارگران و کارفرما واقع می شود که کارگر به مفهوم واقعی کلمه، به وظایفی که باید در شغلی که به عهده دارد انجام دهد، واقف نیست. گرچه طی سال های اخیر، قدم هایی از سوی تشکل های کارگری یا سازمان هایی که از وظایف آنها آموزش کارگران است، برداشته شده و حضور نمایندگان کارگران در کمیسیون ها و نشست های سه جانبه، مؤید این نظر می باشد، ولی برای رسیدن به مقصود، کار بسیاری باید انجام شود.

علاوه بر دانش اجتماعی، پیشرفت های تکنولوژیک و ورود ماشین آلات و ابزار پیشرفته به بازار ایجاد می نماید که کارگران، خود را با این پیشرفت ها منطبق سازند و این امر مستلزم گذراندن دوره های آموزش فنی - حرفه ای است. خوشبختانه، بانک جهانی در این مورد، برنامه هایی دارد و امید می رود اجرای این قبیل برنامه ها، کاستی ها را نیز برطرف کند.

۲) آزادی و استقلال در ایجاد تشکل های کارگری: تشکل های کارگری و کارفرمایی، از دیر باز در کشور ما ایجاد و به ایفای نقش پرداخته اند. در حال حاضر دو گروه تشکل کارگری در کشور فعالیت می کنند. یکی، شوراهای اسلامی کار که بر اساس اصل ۱۰۴ قانون اساسی ایجاد گردیده اند و دوم، انجمن های صنفی کارگران که بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی تأسیس می شوند. ولی از همان آغاز تصویب قانون تشکیل شورای اسلامی در سال ۶۳ و قانون احزاب و انجمن های صنفی در سال ۶۰ توجه کارگر و نیز مسؤلان امر در وزارت کار و امور اجتماعی، بیشتر به تشکیل شورای اسلامی کار معطوف بوده است. به ویژه، ماده ۱۵ قانون تشکل شوراهای، وزارت کار و امور اجتماعی را ملزم به تشکیل شوراهای کارگاه های دارای بیش از ۳۵ کارگر، ساخته است.

چگونگی تشکیل شوراهای اسلامی کار و دخالت وزارت کار و امور اجتماعی در این زمینه و ترکیب این شورا که نماینده مدیریت در آن حضور دارد و سرانجام، چگونگی انحلال شوراها به وسیله هیأت ماده ۲۳ قانون، سبب گردیده که این شوراها به عنوان یک تشکل واقعی کارگران از سوی سازمان بین المللی کار تلقی نگردند، زیرا مغایر با مقوله نامه شماره ۸۷ قوانین بین المللی است. گفتنی است، نمایندگان آن سازمان، بارها به این واقعیت اشاره کرده اند و اخیراً، وزارت کار و امور اجتماعی و تشکل کارگری مربوطه، با اذعان به این واقعیت، در صدد اصلاح موارد مرتبط به تشکل های یاد شده برآمده اند.

۳) امنیت شغلی کارگران: بدیهی است کارگری که به کاری اشتغال می ورزد، علاقه مند است که در آن کار، اشتغال مداوم داشته و به تدریج، از مقام و امتیازات بالاتری برخوردار گردد. این امر، مستلزم وجود امنیت شغلی او می باشد. لازم است مقررات و قوانین، به نحوی تنظیم گردند که برای کارگران بهره وران دل مشغولی را ایجاد نکند که کارفرما هر لحظه می تواند به کار خاتمه دهد. البته نکته ای را که باید در این زمینه خاطر نشان ساخت این است که کارفرما

۴) رفع بیکاری جامعه کارگری: بیکاری، یکی دیگر از مشکلاتی است که همواره مورد توجه تشکل های کارگری و مقامات مسؤل بوده است. معمولاً هنگامی که به نرخ دو رقمی بیکاری اشاره می شود، لاجرم به علل آن نیز اشاره می گردد. به طور کلی، باید گفت که در بیکاری کلان، کارفرما دخالت ندارد. به جز موارد اندک اختلاف که ممکن است موجب اخراج و بیکاری نیروی کار شود، عمده بیکاری موجود در کشور ناشی از ساختار اقتصادی کشور می باشد.

به همین لحاظ، مسأله کارگرانی که به تازگی وارد بازار کار می شوند، ولی به لحاظ وضع نابسامان اقتصادی، مدت ها در صفوف بیکاران قرار می گیرند، از بیکارانی که اشتغالی داشته و اکنون بیکار شده اند، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا از یکسو، تعداد آنها بسی بیشتر است و طبق آمارهای منتشره، از رقم ۴/۵ میلیون نفر تجاوز می کند و از سوی دیگر، امکان حمایت از آنها به صورت بیمه بیکاری و غیره بسیار مشکل می باشد.

۵) تورم زادی: تورم یکی از عوامل مشکل زا است که همه اقشار جامعه با آن دست به گریباندند. این موضوع برای جامعه کارگری به نحو فزاینده ای مشکل آفرین است، زیرا با توجه به نرخ تورم دو رقمی و سطح قیمت ها، به ویژه در مورد مسکن، شرایط اقتصادی کشور و واحدهای اقتصادی اجازه نمی دهد که حداقل مزد کارگران و سایر سطوح فردی، از میزان معینی بیشتر شود.

به عنوان نمونه، در سال جاری، حداقل مزد ماهانه ۲۱۷ هزار تومان و مزد سایر سطوح، ۵ درصد افزایش به علاوه ۹۱۵ ریال می باشد که این رقم، با توجه به تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و توافق حاصله در شورای عالی کار پذیرفته شده است. ولی واقعیت این است که به جز رقم مذکور، مزایایی نظیر هزینه مسکن، بن کالاهای اساسی و حق اولاد به بر آن اضافه می شود و در عین حال، در حین کار، مزایایی نظیر پاداش و عیدی با آن جمع می گردد که این خود بر هزینه تولید می افزاید و قیمت تمام شده کالا را بالا می برد و امکان رقابت را در بازارهای داخلی و خارجی کاهش می دهد. در حالی که مزد حاصله در برابر تورم افسار گسیخته موجود برای یک زندگی معمولی، کافی به مقصود نیست. مسأله مسکن در میان هزینه های خانوار یا سبب هزینه، رقم قابل ملاحظه ای را تشکیل می دهد، چنان که برای یک خانواده چند نفری قیمت هایی که در حال حاضر در بازار مسکن معمول و متداول است - اعم از اجاره یا رهن - رقمی است که پرداخت آن برای یک کارگر امکان پذیر نیست.

با توجه به این واقعیت، ضرورت ایجاد می کند در این زمینه تدبیری اندیشیده شود و دولت، اقداماتی به منظور فراهم آوردن تسهیلات لازم انجام دهد، زیرا واحدهای اقتصادی در شرایطی نیستند که بتوانند به جز آنچه تحت عنوان هزینه مسکن می پردازند، اقدامی در جهت رفع مشکلات مسکن کارگران انجام دهند.

بیکاری ساختاری معلول چه عواملی است؟

عوامل چندی در بیکاری دخالت دارند که از آن جمله می توان به عدم سرمایه گذاری جدید توسط صاحبان سرمایه در امر تولید به لحاظ مشکلات اقتصاد کلان و وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر اشاره کرد. به محض این که سرمایه گذار

رسمی و قانونی و از راه‌های قاچاق سبب گردیده است که تولیدات داخلی در انبارها ذخیره شوند و در نتیجه، صاحبان صنایع و کارفرمایان، از تولید بیشتر خودداری کنند یا به تغییر ساختار اقتصادی روی آورند. همه این عوامل و عواملی دیگر سبب می‌گردد که واحد تولیدی، به کار خود ادامه ندهد و در نتیجه، موجبات بیکاری کارگران فراهم گردد. از سوی دیگر، این عوامل، عدم استقبال واحدهای اقتصادی از کارگرانی که به تازگی وارد بازار کار گردیده و به صفوف بیکاران پیوسته‌اند را سبب می‌شوند. ■

در صدد ایجاد یک واحد اقتصادی بر می‌آید، بلافاصله با هزینه‌های سرسام‌آور مقررات مربوط به مالیات، تعزیرات حکومتی، قوانین کار و تأمین اجتماعی مواجه می‌گردد و محدودیت‌هایی که قوانین مذکور و مجریان قانون برای او ایجاد می‌کنند سبب می‌گردد که سرمایه‌گذار از تصمیم خود منصرف شده و در راه دیگری سرمایه‌گذاری کند. فرهنگ سرمایه‌ستیزی در کشور ما نیز از جمله دیگر موانعی است که موجب می‌شود افراد علاقه‌مند از کار در صنعت و تولید منصرف گردند. تمایل و وجود امکانات فراوان برای ورود کالاهای خارجی به کشور از طریق

چشم‌انداز مجلس هشتم

سازوکارهای اصول‌گرایانه



تغییر رییس، تغییرات هیأت‌رییسه و عدم حضور دوسوم نمایندگان مجلس قبلی در مجلس هشتم، سیمای متفاوتی را برای مجلس شورای اسلامی رقم زده است.

مقابل، سهم حداد عادل بیش از ۵۰ رأی اصول‌گرایان تحول‌خواه (حامیان توکلی) نبود. این گونه بود که طی یک رقابت درون جناحی، علی‌لاریجانی به عنوان تنها کاندیدای اصول‌گرایان (و کل مجلس) برای ریاست مجلس انتخاب شد و این پایانی بود بر ریاست چهارساله غلامعلی حداد عادل بر مجلس، جالب این که، در جلسه مذکور ۲۲۹ نفر از منتخبین مجلس هشتم حضور داشتند و این امر، نشان دهنده همراهی تعداد قابل توجهی از نمایندگان مستقل با اصول‌گرایان است.

هیأت‌رییسه، آیینیه مجلس

هیأت‌رییسه مجلس شورای اسلامی، متشکل از ۱۲ نفر است که شامل یک رییس، دو نایب رییس، شش منشی و سه کارپرداز می‌باشد. در مورد انتخاب رییس مجلس، با توجه به این که فراکسیون اقلیت، فردی هم وزن علی‌لاریجانی برای رقابت بر سر ریاست نداشت، علی‌لاریجانی تنها نامزد تصاحب ریاست مجلس شورای اسلامی بود و توانست از ۲۵۹ رأی مأخوذه، با کسب ۲۳۷ رأی موافق و بدون رأی مخالف، رسماً رییس مجلس شود. همچنین، برای انتخاب نواب رییس، از بین چهار نامزد این سِمَت، برخلاف روال سال‌های گذشته، حجت‌الاسلام ابوترابی فرد توانست گوی سبقت را از محمدرضا باهنر برآید و با ۱۷۷ رأی، نایب رییس اول مجلس شود. باهنر، در یک رقابت نزدیک با امیدوار رضایی، به عنوان نایب رییس دوم انتخاب شد. نمایندگان مجلس هشتم با انتخاب حجت‌الاسلام ابوترابی به جای باهنر نشان دادند که احتمالاً قصد دارند رویه‌ای متفاوت از آنچه در مجلس هفتم رخ می‌داد، اتخاذ کرده و در عین تعامل تا حد ممکن رویه مستقل خود را - به ویژه در قبال دولت - حفظ نمایند.

با نگاهی به ترکیب هیأت‌رییسه مجلس هشتم، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، کل هیأت‌رییسه در اختیار اصول‌گرایان قرار گرفت و اصلاح‌طلبان، علیرغم معرفی سه کاندیدای برای منشی هیأت‌رییسه، راه به جایی نبردند. همچنین، سه منشی و یک کارپرداز هیأت‌رییسه، نسبت به سال پایانی مجلس هفتم تغییر کردند که با توجه به عدم حضور ۱۸۲ نماینده مجلس هفتم و آرای ۷۰ درصدی جناح اکثریت، دور از انتظار نبود. به هر ترتیب، سیطره کامل اصول‌گرایان بر هیأت‌رییسه و عدم راهیابی هیچ‌یک از اصلاح‌طلبان به آن، تصویری از واقعیت‌های حاکم بر مجلس هشتم و کم‌رنگ‌تر شدن نقش اقلیت اصلاح‌طلب در تصمیم‌گیری‌ها است.

مجلس هشتم و روحانیت

با ریاست حداد عادل بر مجالس شورای اسلامی هفتم، مجلس برای نخستین بار، یک رییس غیرروحانی را به خود دید و این روند، در مجلس هشتم

مجلس هشتم در حالی فعالیت خود را آغاز کرد که انتخاب علی‌لاریجانی به جای حداد عادل، به عنوان رییس مجلس، بیش از دیگر تغییر و تحولات آن، جلب توجه می‌کرد. غلامعلی حداد عادل، که چهار سال با آسودگی بر مسند ریاست مجلس هفتم تکیه نموده بود، هرگز گمان نمی‌کرد به یکباره از عرش به فرش فرود بیاید و سهمش از آرای اصول‌گرایان، تنها ۵۰ رأی باشد؛ غافل از این که نه این مجلس، آن مجلس است و نه این نمایندگان، آن نمایندگان.

بازگشت دیپلمات از موضع رییس

سنگ بنای ریاست لاریجانی بر مجلس، از جایی گذاشته شد که وی با اقدامی حساب‌شده و در شرایطی که نتوانسته بود سرلیست فهرست جنبه متحد اصول‌گرایان در تهران باشد، راهی قم شد تا هم از رأی بالای خود مطمئن گردد و هم به کمک برادرش، حمایت علما و روحانیون قم، از جمله جامعه مدرسین حوزه علمیه و مراجع عظام را پشتوانه محکم خود قرار دهد. با این اقدام لاریجانی، خیلی زود و حتی پیش از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج، بحث این که از بین او و حداد عادل، چه کسی رییس آینده مجلس خواهد شد، در محافل سیاسی و رسانه‌ها مطرح گردید و زنگ خطر برای حداد عادل به صدا درآمد. در این شرایط، غلامعلی حداد عادل که بیش از اندازه به تداوم ریاست خود بر مجلس اطمینان داشت، خیلی دیر، دست به کار شد و در اقدامی شاید عجولانه، برای ترمیم وجهه خود، اقدام به نامه‌نگاری‌های تند به محمود احمدی‌نژاد بر سر ابلاغ چند مصوبه نه‌چندان پراهمیت نمود. این در حالی بود که طی این مدت، علی‌لاریجانی توانست از تیرگی روابط بین حداد عادل و احمدی‌نژاد استفاده کرده و نظر بسیاری از اصول‌گرایان را به خود جلب کند.

در این میان، حمایت حامیان دولت از ریاست لاریجانی جالب توجه است. ظن قوی این است که بین محمود احمدی‌نژاد و علی‌لاریجانی توافقاتی صورت گرفته باشد که در صورت حمایت نمایندگان حامی دولت از ریاست لاریجانی بر مجلس، وی نیز از کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری دهم خودداری کند؛ چراکه تداوم ریاست لاریجانی بر مجلس برای یک دوره چهار ساله، در کنار تضعیف احتمالی حداد عادل - به عنوان یکی از گزینه‌های محتمل اصول‌گرایان برای ریاست جمهوری - در اثر خروج از هیأت‌رییسه می‌تواند تضمین‌کننده رأی بالای رییس‌جمهور در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده باشد.

به هر ترتیب، بعد از ظهر یکشنبه، پنجم خردادماه ۸۷، بعد از آخرین جلسه علنی مجلس، مجمع عمومی فراکسیون اصول‌گرایان در صحن مجلس تشکیل شد و علی‌لاریجانی توانست از ۲۱۷ رأی مأخوذه، ۱۶۲ رأی اصول‌گرایان سنتی، مستقل و حامیان دولت (رایحه خوش خدمت) را به خود اختصاص دهد. در